

اعلامیه

سما - جناح انقلابی -

اعلامیه سازمان آزاد پیش مردم افغانستان

(جناح انقلابی)

کودتای هفت ثور ۵۷ در ادامه کودتای سسرطان ۵۲ بر زمینه

تهریت غدارانه و تدارک حساب شده اقتصاد ^{ملک}ی نو نظامی ، نمایندگان سیاسی سرمایه های، دلال دولتی وابسته به سومینا، امپریالیسم روس را بر اریکه

قدرت سیاسی نشاند . تدارک خود تاها بر زمینه اقتصادی ، سیاسی ، نظامی بر محور صدور سرمایه ، ایجاد ستون پنجم و وابسته ساختن ارتش از لحاظ تسلیحاتی و فکری نمایانگر خط حرکتی ای است که با تغییر ماهیت شوروی در اواسط دهه ۵۰ م پیوند دارد که در کشور ما نیز سرچشمه این آب کثیف و لجن بار از دل همین تغییر ماهیت سرگشوده است .

کودتای ننگین و اسارتبار ۷ ثور بر زمینه در جهت تکمیل سلفش (کودتای ۲۱ سرطان ۵۲) با استفاده از بحرانات اقتصادی - اجتماعی جامعه ^{مسا} که از لحاظ سیاسی در حرکت و تغییر سیاست مذبحخانه د اود جهت غلبه بر

آن جلوه نمائی میکند / اود در بطن اوضاع مساعد منطقه که در کشور های رقیبانه امپریالیستها تصاد ل را برپسود سومینا ل امپریالیستها هموار نمود توسط سومینا ل امپریالیستها ، پس پیاده شد و شش ثور عریضت و خفا ^{نگین} اگر که تا حال در دستد پیروی قرار است ، دست بدست نمود ه و دست - دست . طعم شیرینی سسپورن .

توده ها در بین مردم خزیده و در رهبری جنبش قرار گرفته اند ، با تخطئه
 ماهیت و سوق جنبش به بیراهه تاریک عقبرائی نبریات کاری و خطرناکی بر آن
 وارد نموده و تشبیهت پراگندگی و عقیماندگی را جهت بر آوردن منافع و خواست
 های عقبراکگی و ارتجاعی خویش بر جنبش تحمیل نموده اند . ولی توده های
 مردم بنا بر خصالت رشد یابنده ضد امپریالیستی و ضد فئودالی جنبش با در رس
 آموزی از شرایط عینی روز تا روز بصورت نسبی ماهیت سیاست ها و عمل کرد های
 ضد مردمی این نیروها را در تجربه دریافته و قدم بقدم در جهت گسست پیوند
 ازین نیروها به پیش میروند . اما منطفا تجزیه شدن نیروهای ارتجاعی در
 شرایط کنونی به مفهوم رخت بر بستن آنها از ساخت جنبش انقلابی خلق نیست ،
 بلکه نیروهای عقبراکگی^{چهار} . تناسبات تاریخ زده فئودالی بنا بر خصالت دموکراتیک
 جنبش به مثابه اما جی در انقلاب ملی - دموکراتیک خلق ما در پیروسه کامل این
 انقلاب از سطح و عمق جامعه زود بده میشوند ولی در سراسر این پیروسه همزمان
 و همگام با پیشروی جنبش بسوی انقلاب برای حفظ و بقا خویش در عرصه های سیاسی
 نظامی^{چهار} عوفی خواهند نمود .

جنبش مسلحانه خلق ما با وجود آنکه تا امروز از رهبری یک نیروی انقلابی
 محروم است با خروبتندی تمام بصورت نسبی راه خود را به سمت اگاهی با ز مسی
 کند . خلق بیخاسته ما با ظرفیت عالی مبارزاتی و با روحیه سرشار از فد اکاری
 و فدا پرمانی با دادن یک ملیون قربانی و بیشتر از پنج ملیون آواره امروز نیز بسا
 آگاهی نسبتا بیشتر در سنگر های نبرد مسلحانه مصمم و قاطع از هستی خود
 دفاع میکند و از آفرینش ارزش های مادی و معنوی نوبت میدهد . توده های
 ستم کشیده افغانستان در سنگر های نبرد مسلحانه و از اردوگاه های آوارگی
 در زیر آتش متطاق دشمنان رنکارنگ به فردا های نوید بخش چشم دوخته اند .
 یقینا جنبش آزاد بیدار ملی ما به انقلاب آزاد بیدار ملی منجر میشود و بنیان

امپریالیسم و فئودالیسم را بدور می افکند ولی نیاز سهم و ضرورت حیاتی جنبش
 در شرایط کنونی موجودیت شکل انقلابی کارگری آگاهیست که بتواند با درک و
 رسالت انقلابی خویش ظرفیت عالی مبارزاتی توده ها را با آگاهی ، هدف مندی
 و شکل پیوند زنده بر زمینه علت وجودی خود در پیوند دیاکتیکی با جنبش
 انقلابی توده ها رشد و نمو یابد ، شکلی که مرحله کنونی انقلاب برایش نه هدفی
 در خود و نهایی بلکه مرحله ضروری و لازم برای فراتر رفتن از آن بشمار می آید .
 ولی چنانچه جنبش تحت رهبری نیروهای انقلابی کارگری رسالتمند و آگاه قرار
 نگیرد ، به گواهی تاریخ و منطق علمی پیروزی آن امر ناممکن است . مگر موجود
 دیت خلقی عقب نگه داشته شده که از عقیماندگی مفروض اقتصادی - سیاسی
 و اجتماعی رنج می برد در یک طرف این مبارزه و سوسیال امپریالیسم روس با -
 اقتدارگر و انگذات گسترده با امپریالیسم امریکا ، سایر نیروهای امپریالیستی و
 ارتجاعی و نوکران شان (دولت های مترجم ایران ، پاکستان و چین روئینونیست)
 برکه از در رقابت با سوسیال امپریالیسم روس جنبش را از درون به بیراهه حقوق مسی
 دهند و در کمین بلعدن آن بنسخته اند/ در طرف دیگر مبارزه و عوامل متحد
 دیگر جنبش آزاد بیدار ملی ما را خصوصیت طولانی بخشیده است . در پیروسه
 جنگ توده های طولانی نمیتوان انتظاری جز طولانی و شاق بودن پیروسه ایجاد ،
 گسترش و استحکام نیروی انقلابی کارگری رسالتمند را داشت که عدم موجودیت
 آن خود یکی از دلایل طولانی شدن جنگ بشمار میرود .

سازمان آزاد بیدار مردم افغانستان از بطن پانسیفیسیم و محفلیسیم و حاکمیت
 یک دهمه اپورتونیسیسم در شرایط و اوضاع تجاوز غارگرانه سوسیال امپریالیسم و
 جنبش مسلحانه توده های ناشی از آن ، جهت شرکت در جنگ آزاد بیدار ملی بنا بر نیاز
 مهم طبقه کارگر افغانستان در حالی تولد یافت که جنبش چپ افغانستان از
 بحران تفریق و تشتت تشکیلاتی رنج میدرد .

منظور شکل صفت
 منظور صفت
 منظور صفت
 منظور صفت

نمایندگان سیاسی سرمایه‌های دلال دولتی وابسته به سوسیال امپریالیسم روس در تضاد عمیق و ماهوی با منافرو خواست‌های طبقات و اقشار مختلف جامعه با عکس‌العمل خود جوش مسلحانه ریزو گردیدند که دوام حیات ننگین شان را منوط و مربوط به آدم‌کشی‌ها، آذم‌رایی‌ها، به آتش کشیدن‌ها، به باران‌ها و ... میساخت ولی دوام خیال خوش و شیرین سوسیال امپریالیسم را دیگر مجالی نبود. سوسیال امپریالیسم روس که در تقار کودتاها بازده بود و نیز خیال تسلط بر کشور ما جهت غارت و تبدیل نمودن آن به تخته پرورش برای دست یابی به استراتژی منطوقی و جهانی اش / لحظه‌ای آرامش نمی‌گذاشت، با ماجراجویی تمام دست به تجاوز مستقیم‌گشور ما زد. سوسیال امپریالیسم روس در مرحله تجاوز غیر مستقیم توسط نوکران، جومی اش با درند مخریقی تمام به سرکوب و حشیانه جنیش‌های خود جوش توده‌ای خلق ما که تا سطح جنیش مسلحانه ارتقا نموده بود دست زد. ولی بنا بر دلایل کاملا عینی و طبیعی، یک از خصمات و ماهیت امپریالیستی خودش / که در سیما و عملکرد نوکران بومی از پس برد و مقدر روس تئوری باقی‌ها و لفاظی‌ها قابل رویت بود / و از خصمات و ماهیت انقلابی جنیش مسلحانه خود جوش توده‌ای / که از پس فضای غبار آلود شکاکیت‌ها و تخطئه‌ها مشهور بود / نشست میکرد، درین مرحله از تقابل و تعارض از سرکوب نظامی و سرخاب و سفید آب رفم‌های استعمار و گذاشتن اش طرفی نیست.

تجاوز مستقیم سوسیال امپریالیسم روس فصل تازه‌ای از سرکوب وحشیانه و لجام گسیخته توسط سوسیال امپریالیسم روس و پاسخی شوراگنر تر و دندان شکن تر خلق را در تاریخ کشور ما گشود. بران پیش‌برد و ترکیب صحت نظامی با مائورهای سیاسی، اقتصادای، فرهنگی، روانی جهت سرکوب خلط بپا خاسته مسا آنچه از شعار‌ها و رفم‌های استعماری با مانو‌های گوناگون در سطح ملی، منطقه و بین‌المللی نصیب سوسیال امپریالیسم میشود، شکست افشاح آمیز و رسوائی عبرت‌انگیز است که در ورای شعار‌های "سرکوب و قلع و قمع" و "سرکوب و تشویق" و "صلح ملی" نوکران حلقه بگوش سوسیال امپریالیسم روس ("خلق"، "پرچم و ستر بیست‌ها") گاهی با غرش و جنگ و دندان‌نمایی و زماننی در زوزه‌های التماس آمیز و مضحک بر پیروزی و شکست ناپذیری خلق آزاد و قهرمان ما صحنه میگردد.

مبارزه دلیرانه و آشتی ناپذیر خلق ما علیه سوسیال امپریالیسم روس و نوکران دست‌نشانده اش، صفحه درخشان دیگری از تاریخ مبارزات ضیق‌تی و مبارزات آزاد یخوارها نه این مسرر و نوم است.

تضاد آشتی ناپذیر و خواست‌های متمایز تمام طبقات و اقشار جامعه ما در تقابل با رژیم کودتا سر آغاز موج عظیم و همه‌گیر جنیش‌های مسلحانه خود بخودی در کشور ما بود. این جنیش در شکل توده‌ای و مسلحانه اش نمایانگر درجه‌اعتمادی خواست توده‌های مردم است که در سطح سیاسی نفی کامل رژیم موزور و اربابان امپریالیست وی را به زبان تفنگ اعلام نه‌پده است. جنیش مسلحانه خلق کشور ما که بصورت خود جوش و پراگنده، خود نمایانگر عقب‌ماندگی سیاسی - اجتماعی، کشور ماست، با وجود تخطئه، امپریالیست‌ها و موزوران بی‌تقاب و با نقاب‌ها، ماهیت ملی و انقلابی خویش را از قعر عقب‌ماندگی‌ها در عمل به اثبات رسانیده‌اند.

جنیش مسلحانه توده‌های به پا خاسته ما اگر از یکسو آماج سبحانه‌ترین و وحشیانه‌ترین بیورش و سرکوب رژیم موزور و بعد ارتش اشغال‌گزار می‌گیرد از جانب دیگر باید سنگینی بار دشمنان قبا پوش و خزیده در میان خود را نیز بر گرد خود خویش تحمل کند. نیروهای ارتجاعی، که بر زمینه پایه اقتصادی - اجتماعی فقود ایسم بعد از توام جنیش‌های توده‌های، با برخورداری از کمک‌های وسیع اربابان امپریالیست اش / که در رقابت با سوسیال امپریالیسم روس وارد محرکه شده‌اند / کرا پیروزند. های مادی - تکنیکی و سوءاستفاده از معتقدات مذهبی

منظور از صلح ملی

"ساما" در پروسه ایجاد با آغاز منطقی مرحله تدارک (جنبش وحدت - طلبانه) با وجود قطع قیل از وقت این پروسه و با آنکه در زمان اعلام موجودیت کمیته های جدی ای را در ساحت تئوریک و تثبیت دید سیاسی روشن نسبت به گذشته جنبش و وظایف آینده اش بنا بر عامل شتابزدگی بر زمینه حرکت های سیاسی - تاکتیکی با خود حمل میکرد و در دید و خد مسلط ولی استحکام نیافته اش به صورت نسبی از دید گاه و مواضع روشن ملی و بین المللی برخوردار بود که درین رابطه میتوان از موضوعگیری علیه تئوری رونیونیستی سه جها و مواضع انحرافی حزب کارآلبانی با نیروهای سیاسی مدافع آن (گروه انقلابی و انگری) یاد آور شد .

عوامی چون حرکت های سیاسی - تاکتیکی ، کم بها دادن به مبارزات ایدئولوژیک - تئوریک ، اختلافات عمیق سیاسی حل نشده ، ضربه خوردن اکثریت کادر ها که آرزوی ه و انقلابی در آوان شکل ، بی تجربگی ، موجودیت گرایشات ناسالم و اوضاع فافکیر کننده ملی ، منطقه ای و بین المللی پیکر منسکین و سهمگین " ساما " را در اجزای متعدد ایدئولوژیک ، سیاسی ، تشکیلاتی و عملی چون خور ، خورد و پیکر سبک شده اش را بدست تند باد حوادث گوناگون سپرد .

با وجود آنکه " ساما " در پروسه مبارزاتی توانست افتخار زینت خود را در جنبش ضعیف شوی ، ولی در متن هر زمینه " جنبش عوامی " سر بلند کرد و پیاره گرایشات پورتونیستی ، رشد این گرایشات و بالاخره تکامل آن تا سطح مشی رفرمیستی در سازمانها با ایجاد فضای تسلیم طلبی طبقاتی ضرورت ن زمینه های ایدئولوژیک ، سیاسی ، تشکیلاتی و عملی آن در اشکال متعدد ایدئولوژی زدائی ها ، بسی افتقادی ها ، پراگندگی ها ، دنیاه روی ها ، ماجراجویی ها و ... تسلیم

سازمانها - سازمانها - سازمانها

طلبی ملی را چون لکه ننگی به ارمان آورد .
 در چنین اوضاع و احوالی که تفرقه حساب با چنین گذشته های برای پاکیزه نگه داشتن و حفظ انقلابی " ساما " ی بخون نشسته خواست برحق هر - " ساما " ی صدیق و شرافتمند بشمار می رفت ، رهبری خارج از کشور ا بسه مشابه شریک جرم و طبقه منحرف ، ساختن ذ هنیت ها را از واقعیت یعنی گذشته ، وضع موجود سازمان و خواست برحق تفرقه و حفظ انقلابی " ساما " بر عهد گرفته بود و تلاش می ورزید تا در عویش ذ هنیت ها را با طرح والنا و نظریات - سازشکارانه تحت پوشش الفاظ " چپ " به مشی رفرمیستی در شکل تازه وخته تر آن جلب کند .

رهبری سازشکار که برای تحقیر و تسجیل خط حرکتی خود از هیچ عملی فرو گذار نمی کرد لا از یک طرف برای شانه خالی کرد اعتماد و معمولیت های گذشته و از جانب دیگر وجه صورت عمد جهت تحقیق تسجیل و ایجاد پایه های عملی خط مشی رفرمیستی خود / زیر نام " جبهه متحد ملی " یکه پا در هوا دارد / که در نزد ویند های بین المللی و لاف و بولوف های خجالت آور با تحقیر جنبش خوده های حماسه آفرین ما / در عمل نه در لفظ / - روی شکل گذشته مشی رفرمیستی حاکم بر سازمان را سفید می کرد ، با برخورد بروکراتیک و استناد از وسایل توطئه ، تفتین و تفرقه برای تحمیل وحدت سیاسی ، کذائی ویا به زعم خودش برای " نشان دادن همه بد رویک دسترخوان " تلاش بی حد و حصری را برآورد اخته بود .

تلاش بروکراتیک رهبری سازشکار جهت آشتی دادن ایدئولوژی ها و گرایشات طبقاتی ، متضاد که زمانه در تفرقه اندازی و گامی در رعصبانیتها ، تیرید آهیز و زمانه دیگر نیز در دلسوزی های تشنعه ، ویند های پید را نهیب سفارش در می آمد ،

مرا با در هوای نوم

با وجود تلاش‌های سازنده "ساما" بی‌هوا واقعی ورزنده و گذشت‌های که در جهت‌سازین تلاش‌ها صورت می‌گرفت، لحظه به لحظه و قدم به قدم به سمت بحران موجود در سازمان می‌افزود. انقلابیون سامائی با حرکت از واقعیت‌های موجود عینی در تلاش بودند تا مگر با گسودن کامل سالم‌بازان ایدئولوژی (که رهبری آن را رسماً "نفی میکرد") زمینه اصولی و تشکیلاتی ای جهت‌مجموعه‌دین گزین گزشته سازمان و تدارک دعوت گنگ بوجود بیارند آنها استفاده از - همین کانال ویر همین زمینه‌کنگره سازمان را به مرجع گسودن کامل و واقعی با تلیم طلبی‌های طبقاتی و ملی گزشته سازمان خویش بدل سازند. ولی سازشکاری - و برخورد بروکراتیک برای حل قضایای سازمان بجان می‌رسد که رهبر سازمان - کمیته را تحت عنوان "کمیته انسجام تشکیلات و تدارک کنگره" برمی‌گسار تا آئین نامه کدائی اشرا محتوائی لبرالی و قیاحانادائی پایه دکراتی، و قانویت مرجع‌دادر کنند و خویش را با سچل جعلی "نظرخواهی از کلیه واحد‌های - مرتبط خویش" آشکار، روشن و خدشده ناپذیر بر حساب بیارند و از آن و قیاحانه تر بعد از بیرون‌دادن آئین‌نامه و چیدن طعم‌شکست ناشی از این طرح پا پوش کفرانس به اصطلاح سرتاسری را برای سامائی‌های انقلابی بدوزد و آن را بهیازار توطئه و قنیش خویش عرضه دارد. تو گوئی آئین نامه در کار نبود است هیا پوش که تازه در کار نیست. کفرانس قوس ۱۳۱۲ که "دستروان سرتاسری" اش از موجودیت رفتائی داخل کشور و رفتائی انقلابی "ساما" خالی ماند و گو شد دیگر را نیز "تازه اندیشان نین" (نمایندگان خطمی رفرمیستی گزشته سازمان که حال بی‌برده و به ممولات متکاملتر نظریات خود را مطرح کردند) -

علی‌الرغم اصرار و نظر وزارت‌های کفرانسرسی ما خالی گزاشتمند، با برخورد سازشکارانه و رسمیت بخشیدن به گزشته و تسجیل خط مشی رفرمیستی در روشنی الفاظ "چسب" و شطاه گری‌های بی‌خریبارسند فخر خود را امضا نمود. کفرانس که سرتاسری بود نش فقط و فقط در سرتاسری بودن شرکت و در خویش کشیدن تسلیم طلبان باید مورد تأکید قرار گیرد. از نقطه نظر ایدئولوژی سیاسی و تشکیلاتی بحران موجود سازمان را شدید نموده و با تحمیل برانگیزی بیشتر عملاً به محفلیم قانویت بخشید. واقعیت و عینیت سخت جان تر از آن است که بتوان با برخورد سازشکارانه بروکراتیان را خفه ساخت و روشن تر خود نما تر از آن است که بتواند با پرده جعلیات و ظفر رفتن‌های فیلسوف‌مآبانه چهره اش را مسخ نمود و مسریش را سسد شد. مؤخر گیری اکثریت سامائی‌ها به عنوان انقلابیون صدیق و راستین "ساما" دلیل روشنی استبر تجرید کفرانس قوس ۱۲ از پیء طرف و موجودیت ظرفیت احیاء انقلابی "ساما" از طرف دیگر.

نمخدر وزارت‌های کودکانه، نه عصبانیت‌های خصمانه و نه توطئه و قنیش هیچ کدام مانع بر ملا شدن ماهیت کفرانس ۱۲ و حرکت مشکل انقلابیون سامائی برای پاسداری از سامائی انقلابی و بخون نشسته نخواهد بود.

در شرایط وضعیت کنونی که برانگیزی و شتمت گزشته با تدبیر و نالیج و عملکرد کفرانس قوس ۱۲ جنبه رسمی و قانونی بخود گرفته و محفلیم در سازمان - تحمیل شده، احیاء انقلابی "ساما" به مثابه ابزار شرکت عملی در جنبش‌ها صلحانه و در عرصه‌های دیگر مبارزاتی به عنوان بخشی از گردان طبقاتی کارگران افغانستان خواست برحق هر سامائی صدیق و شرافتمند است که با اورمندی و تعهد نسبت به انقلاب بله‌افق در رخشان فرد اها چشم‌دخته و درین راه از داد هرگز نه‌ترسانی

اینکاسی در این راه در پیش رویم
 حزب کارمندیان را در آن طرف
 و در کنار راه ما در آن مسی

نهر رسید و بنی هر اسد .

ما معتقدیم که بدین موجودیت تشکیلات انقلابی کارگری منتهی گها کرد
 از قانون مند و های عینی جامعه و جهات بنی برتری شده باشد و چون ابرار کارا و
 متناسب جهت رهبری جنبش عملی در خدمت انقلابیون بود ه ها قرار گیرد و
 بدین اید تولیدی ، سیاست و تئوری رهنمای علمی و عملی ایگه این تشکیلات بر
 آن بنا می یساید و در خدمت آن قرار می گیرد ، رهبری و ره پیروزی رساندن
 جنبش آزاد پیشرو علمی خلق ما که اصولاً جنبه های مختلف و گوناگون مبارزاتی و
 را در بر می گیرد (و برای ما هدفی در خود و فائی بشمار نمی رود) نا
 ممکن است . پاسخ گویی به این وظیفه بزرگ ویر مسئولیتد ر عرصه استراتژی -
 تشکیلاتی در شرایطی که جنبش چپ افغانستان و " ساما " به مباحثی از آن
 در تحت تئوریک ویرا کند گی تشکیلاتی ناشی از عوامل گوناگون ملل وین المللی در
 اوضاع شتاب گیر کنونی به محاصره کشید شده است ، در سایه نظر و عمل و وظیفه
 تخطی ناپذیر جنبش چپ افغانستان به شمار می رود . به نظر ما برخلاف دید
 گاه های غیر اصولی رایج در جنبش دین مورد ، مرز بندی دقیق و روشن ، -
 تشریک مساعی در عمل ، هماهنگ ساختن حرکت در پرا تیک و مبارزه سالم -
 اید تولیدی - سیاسی به عنوان پایه های اساسی وحدت ، راه اصولی و شدت
 یافتن به برنامه و تاکتیک های علمی و ایجاد پیوند با طبقه کارگر ویر اساس ایس
 ها دست یافتن به ابرار تشکیلاتی انقلابی کارگری و ویر و و های با پرا تیک جنبش چپ
 افغانستان است . سامای های انقلابی * رسالتمند سپهرم اریه خورشید را در
 رابطه با احیاء و استحکام " ساما " بر زمینه های تشخیص و ظایف و
 شرکت در عرصه های گوناگون مبارزاتی بر بستر جنبش توچه های ملیونی

سازمان رهبری - سیاست - تئوری - رهبری - عمل - تشکیلاتی - کارگری

افغانستان رو در پیوند با آن ایفای می : مسایند و معتقد اند که این پروسه (پرو سه
 احیاء و استحکام " ساما ") در نظر و عمل بر زمینه تدارک قبلی و عملکرد آینده -
 نمایانگر اعتقاد ژرف نظری و تلاش نخستگی ناپذیر عملی در جهت درک و پاسخ گویی
 به نیازمندی ها و مطالبات طبقه کارگر و جنبش آزاد پیشرو ملی بود ه و خواهد بود .
 در شرایطی که جنگ مسلحانه خلق ما در مکتب عینی خویش تود ه ها را پدیدار
 نموده و با آنها آگاهی نسبی داده است ، در شرایطی که حاصل این آگاهی
 نسبی مبارزه پرشور تود ه های مردم ویرونی طیف رنگارنگی از منفعت طلبان را با
 شدت و حشمت ویر بریت و تحکیم فشار و اختناق دشمنان در بر می دارد ، بر ما ست
 تا با جمع بندی دقیق و همه جانبه گذشته خویش نتایج مثبت علمی کار خویش را
 استحکام بدهیم و در جهت گسترش آن بکوشیم و نتایج منفی عملکرد های خود را بی
 باکانه و بی رحمانه به باد انتقاد گیریم و از تکرار د پاره آنها جلوگیری نماییم .
 حرکت جهت پاسخگویی به این وظیفه از اعتقاد ما نسبت به وظایف طبقاتی ما در
 دراز مدت که در شرایط کنونی هاز خلال جنگ تود ه می طولانی می گذرد ناشی می
 شود . انجام وظایف در حلقه اساسی جنگ مسلحانه تود ه می دراز مدت و ایفای
 وظایف در عرصه های دیگر در خدمت آن برای ما یک اصل نظری و عملی است .
 نظری به این معنی که جمع بندی گذشته سازمان و جنبش و تحلیل وضعیت کنونی ما
 و جنبش در اجزای معین غریبتموجود و امکانات ما و وضعیت عینی جنبش از لحاظ
 فکری رهنمای عمل ماست و عملی به مفهوم حل تشکیلاتی تقمیه است . دید روشن
 و عمل سازمان یا افتخار یک طرف معیاری استبرای برخورد و حرکت علمی ما از طرف
 دیگر ضامن رشد و استحکام ما در عرصه های گوناگون به شمار می رود .
 بخش کاپیسا - پروان و بخش کابل که بنا بر ماهیت سازشکارانه کنفرانس تور ۱۲

در کنار بخش‌ها و شاخه‌های سالم را انقلابی دیگر "ساما" علیه کفرانستور ۱۲ و جریان "تازه اندیشی" موجدگیری ننژری و عملی نمود موفق کفرانسر را به عنوان - بعضی کفرانسر سازش و جلا حیت ان را به عنوان جمع سساششکار، تسلیس طلب و همدرد افشا نمود مواضع و التراتیو د و بخش در قبال وضع موجود "ساما" و طرح بیزین رفت از وضعیت کنونی را در سند مشترک میزان ۱۳۱۳ خود ارائه نمود است. د و بخش در جهت تحقیق التراتیو ارائه شده هر پایه و زمینه تدارک اید کولوزیک - سیاسی و تکنیکاتی بخش‌ها و شاخه‌های انقلابی "ساما" تاکنون گام‌های عملی‌ی را به سهم نویسه خود در کنار بخش‌ها و شاخه‌های دیگر بر داشته است و اکنون واکنون نیز وظیفه خود می‌داند تا به نویسه خود سهیم - خویش را در جهت پیشبرد عملی تر و بهتر این پروسه با تحکیم دستاورد هسادر بین زمینه و زمینه‌های دیگر اد انهاید.

ما اعتقاد داریم که پاسخ گرفتن به وظیفه مسوری احیا و استحکام "ساما" با تحکیم دستاورد‌های موجود بخش‌های انقلابی و گسترش این دستاورد‌ها در متسن جنبش آزاد بیخشی ملی کشور ما از یک طرف و پروسه تدارک کفرانسرهای راستین و انقلابی را تسریح می‌کند و از طرف دیگر پایه‌های پرتانی برای احیاء و استحکام "ساما" به شمار می‌رود.

لهمذا مسما وظیفه خود می‌دانیم که برای پاسخ‌گویی به وظیفه مسورری بخش‌ها و شاخه‌های انقلابی "ساما" و تسریح این پروسه با تحکیم دستاورد‌های خود در داخل کشور و تند و تند فعالیت در جهت گسترش آنها با برآمدن و هویت مشخص سامما (جناح انقلابی) در جهت تحقق بخشیدن

به التراتیو و کفرانسر سامایی‌های راستین و انقلابی در هماهنگی با بخش‌ها و شاخه‌های انقلابی دیگر فعالیت خود را متمرکز سازیم.

مرگ بر سوسیال امپریالیسم رور و نوکران بومی
آن (پرچم، "خون" و "شکر")
مرگ بر امپریالیسم امریکا، سائیر امپریالیست‌ها و مزدوران آنها !

مرگ بر دولت‌مترجم چین روزی بنویسیم !
مرگ بر رژیم‌سیسم و تسلیم طلبی !
پیروز یاد جنبش آزاد بیخشی خلق افغانستان !
به پیش به سوی احیاء و استحکام "ساما" !
به پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگ افغانستان !
یا مرگ یا پیروز !

سازمان آزاد بیخشی مردم افغانستان
(جناح انقلابی)